

جان کرزی در خطر؟؟

نوشه ص. سلیم را که به یقین با نام مستعار نوشته شده است، دقیقاً خواندم. مقدمه طولانی آن که به بررسی اوضاع جاری در ارتباط با موضوع مذاکرات قطر و تیره شدن روابط مقامات امریکائی با رئیس جمهور کرزی اختصاص یافته است، حاوی کدام مطلب جدید نیست، رسانه ها تبصره های متفاوت و مختلف در زمینه بیان کرده اند. آنچه در نوشته فوق قابل تعجب به نظر می آید، همانا نتیجه گیری آنست که قابل دقت و تأمل جدی است و میتوان گفت که همین مقدمه طولی محض به مقصد رسانیدن همچو پیام نگاشته شده که گویا «جان کرزی» به خطر مواجه است و احتمال این خطر از جانب «امریکائی ها» وانمود گردیده است.

در این ارتباط باید گفت که هنوز مقامات امریکائی به این قانون خود که نباید برای مو مخالفان از «ترور» آنها کار گرفت، پایبند میباشند، بآنکه بحث های زیاد در اطراف این موضوع قبلاً در بین مقامات امریکائی صورت گرفته بود و میخواستند این قانون را به نحوی ملغی سازند که بر آن موافقه نشد. به هر حال فرضاً اگر اینکار با استفاده از یک «توطئه» صورت گیرد، نتیجه آن کاملاً به ضرر امریکائی ها هم از لحاظ «پرستیژ» و هم از لحاظ رعایت شرایط موجود در مورد پالیسی خروج شان از افغانستان خواهد بود که هیچ عقل سلیم به اجرای چنین کار دستور نخواهد داد.

تاجائیکه فکر میکنم این نوشته بیشتر یک نوشته «تبلیغاتی» است که احتمالاً به دلائلی ذیل عمداً ارقام یافته باشد:

یکی شاید این نوشته به هدایت حلقه نزدیک کرزی و حتی به هدایت خود او تهیه شده باشد تا بدینوسیله جلب نظر مردم را کرده و در ذهن عوام او را به حیث یک شخصیت ملی و «مستقل» و کسبیکه برای منافع ملی با یک قدرت بزرگ دست و پنجه نرم میکند، معرفی و یا حداقل چنین فکری را در ذهن عوام تلقین نماید. اکنون آقای کرزی در مدت باقیمانده کار خود کمتر به مسائل ملی، بلکه بیشتر به «میراث» سیاسی خود بعد از کنار رفتن از مقام می اندیشد و اما نمیتوان «گلیم سیاه» را با چنین کارها «سفید» ساخت. او در مدت یازده سال کار خود با روش های مصلحتی و نیرنگهای عجیب چنان از منافع ملی فاصله گرفت که نتیجه آنرا میتوان در یک نظر خواهی مستقیم منتشره تلویزیون کانال یک زیر نام «مناظره کابل» به وضاحت مشاهده کرد.

دیگر احتمال دارد که این نوشته از طرف گروه مخالفان «جدی» کرزی از جمله یکی آنکه سرش زیر لحاف کرزی و اما پاهایش در راه رفتن به «کوه» است، تهیه شده باشد. اگر آنها اجرای چنین پلانی را که منجر به نابودی کرزی شود، در نظر داشته باشند، با نشر چنین نوشته میخوانند برف بام خود را به «حویلی» امریکائی ها بیندازند و به اصطلاح با یک «تیر دو فاخته» را شکار کنند.

و اما احتمال دیگر آنست که شاید این نوشته به تحریک یکی از نزدیکان و حتی یکی از برادران خودخواه و ماجراجوی کرزی صورت گرفته باشد تا با از بین بردن او زمینه عروج خود و یا یک برادر دیگر خود را مساعد سازد. اینکار نه تنها در افغانستان بلکه در بیشتر جاها صورت گرفته که کشته شدن یک «رئیس» وسیله جلب «استرحام» برای یکی از نزدیکانش جهت نصب به قدرت گردیده است یعنی کشته شدن پدر یا برادر، وسیله انتقال قدرت به پسرش و یا برادرش حتی در بسیاری از نظامهای دموکراتیک و انتخابی بوده است. در این اواخر صحبت های فراوان در مورد روابط ذات البینی برادران کرزی در بین مردم و نیز در رسانه ها انتشار یافته است که باید به آن توجه داشت.

بهرحال بازی با احتمالات با پایه های منطقی یکی از روشهای تحلیلی در امور سیاسی محسوب میشود و اما ضرور نیست که یقینی باشد و الله اعلم بالصواب